

پرسش ۱۸۱: آیهی (وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ....)

سؤال/ ۱۸۱: ما معنى قوله تعالى: (وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا) 1، (فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) 2؟

معنای سخن حق تعالی چیست؟ (و او را از جانب راست کوه طور صدا زدیم و او را برای مناجات با خود، نزدیک کردیم.) 3 و (چون به آتش رسید از کناره‌ی راست آن وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا داده شد: ای موسی! منم خدای یکتا، پروردگار جهانیان.) 4.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

الشجرة هي: (الشجرة المباركة في القرآن)، وهي شجرة آل محمد (عليهم السلام) ، وفروعها الأئمة والمهديون: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) 5.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

1 مريم : 52.

2 القصص : 30.

3 مريم : 52.

4 القصص : 30.

5 إبراهيم : 24. عن سلام بن المستنير، قال: سئلت أبا جعفر (عليه السلام) عن قول الله تعالى: (كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء تؤتي أكلها كل حين باذن ربها)، فقال: (الشجرة رسول الله نسبه ثابت في بني هاشم وفرع الشجرة على وعنصر الشجرة فاطمة وأغصانها الأئمة ورقها الشيعة وان الرجل منهم ليموت فتسقط منها ورقة وان المولد منهم ليولد فتورق ورقة. قال قلت له: جعلت فداك قوله تعالى: (تؤتي أكلها كل حين باذن ربها) قال: هو ما يخرج من الامام من الحلال والحرام في كل سنة إلى شيعته) بصائر الدرجات : ص 79 ح 2.

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

درخت همان «درخت مبارک در قرآن» که درخت آل محمد (عليهم السلام) می باشد و شاخه هایش ائمه و مهديين هستند: (آیا ندیده ای خداوند چگونه مثلی زده است؟ سخنی پاک چون درختی پاک است که اصلش (ریشه اش) استوار و فرعش (تنه و شاخه هایش) در آسمان است) 6.

والطور الأيمن، والوادي الأيمن هو: اليماني (المهدي الأول من المهديين)، والبقعة المباركة هو: الحسين (عليه السلام)، فالكلام من الطور الوادي الأيمن، أي اليماني (المهدي الأول)، والوادي الأيمن الطور الأيمن من البقعة المباركة أي من الحسين، فالمهدي الأول (اليماني) من ولد الحسين؛ لأنه من ذرية الإمام المهدي (عليه السلام)، والبقعة المباركة من الشجرة (أي محمد وعلي عليهما السلام)، فالحسين من محمد وعلي عليهما السلام.

طور ایمن و وادی ایمن عبارت است از یمانی (مهدی اول از مهديين)، جایگاه مبارک: امام حسین (عليه السلام) است. سخن از طور وادی ایمن یعنی یمانی (مهدی اول)، و وادی ایمن طور ایمن از جایگاه مبارک یعنی از حسین، که مهدی اول (یمانی) از فرزندان حسین است؛ زیرا او از ذریه ی امام مهدی (عليه السلام) می باشد، و جایگاه مبارک از آن درخت یعنی از محمد و علی (عليهما السلام)، که حسین از محمد و علی (عليهما السلام) است.

6 ابراهیم: 24. از سلام بن مستنیر روایت شده است: از اباجعفر (عليه السلام) درباره ی سخت خداوند عزوجل ﴿كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ (چون درختی پاک است که اصلش (ریشه اش) استوار و فرعش (تنه و شاخه هایش) در آسمان است * که به اذن پروردگارش هر زمان میوه اش را می دهد) سوال کردم، فرمود: «درخت، رسول خدا است که نسبش در بنی هاشم ثابت است، که تنه اش علی، ریشه اش فاطمه و شاخه هایش ائمه و برگه اش شیعیان هستند که هرگاه یکی از آن ها بمیرد یکی از برگه هایش می افتد و با تولد یکی از آن ها بر درخت یک برگ می روید». به ایشان عرض کردم: فدایتان کردم! این سخن حق تعالی ﴿تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ (که به اذن پروردگارش هر زمان میوه اش را می دهد)؟ فرمود: «منظور آنچه در هر سال در خصوص حلال و حرام از امام صادر می شود می باشد». بصائر الدرجات: ص 79 ح 2.

عن الصادق (عليه السلام): ((شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ) الذي ذكره الله تعالى في كتابه هو الفرات (والبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ) هي كربلاء، والشجرة هي محمد) 7.

از امام صادق (عليه السلام) روایت شده است: «منظور از شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ (از کناره‌ی راست آن وادی) که خداوند در قرآن از آن یادی به میان آورده، فرات است و الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ (بارگاه مبارک)، کربلا و «الشَّجَرَةُ» (درخت) محمد می باشد.» 8.

والفرات نهر من الجنة، واليماني أيضاً نهر من الجنة، تلقى فيه أعمال العباد كما ورد عن الصادق (عليه السلام): (الركن اليماني بابنا الذي يدخل منه الجنة، وفيه نهر من الجنة تلقى فيه أعمال العباد) 9.

فرات، نهري است از بهشت و یمانی هم نهري است از بهشت که اعمال بندگان در آن قرار می‌گیرد، همان‌طور که از امام صادق (عليه السلام) روایت شده است که فرمود: «رکن یمانی درب ما است که از آن داخل بهشت شوند و در آن نهري است از بهشت که اعمال بندگان در آن افکنده می‌شود.» 10.

وكربلاء هي الحسين (عليه السلام)، والشجرة هي محمد وعلي عليهما السلام؛ لأنهما أبوا العترة. فالمكلم المباشر هو المهدي الأول (اليماني): (وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا).

کربلا، حسین (عليه السلام) است، و درخت، محمد و علی (عليهما السلام) است؛ چرا که آن‌ها پدران عترت‌اند و آن‌کس که به‌طور مستقیم [با موسی (عليه السلام)] سخن گفت، مهدی اول (یمانی) بود: **(وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا)** (و او را از جانب راست کوه طور صدا زدیم و او را برای مناجات با خود، نزدیک کردیم).

7 بحار الأنوار : ج13 ص49.

8 بحار الأنوار : ج13 ص49.

9 وسائل الشيعة (آل البيت) : ج13 ص339.

10 وسائل الشيعة (آل البيت) : ج13 ص339.

وقائد المكلّم هو علي بن أبي طالب (عليه السلام) (مِنَ الشَّجَرَةِ)؛ لأن الشجرة كلها علي بن أبي طالب (عليه السلام)، فهو أبو العترة، أما أصل الشجرة فهو محمد (صلى الله عليه وآله وسلم).

پیشوای سخن گوینده، علی بن ابی طالب (عليه السلام) (مِنَ الشَّجَرَةِ) (از درخت) بود؛ زیرا تمامی درخت علی بن ابی طالب (عليه السلام) بود؛ چرا که او پدر عترت است، و اما اصل درخت، حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) می باشد.

فمكلّم موسى هو الله، ومكلّم موسى هو محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) ، وهو علي (عليه السلام)، ومكلّم موسى هو المهدي الأول (اليماني).

بنابراین کسی که با موسی سخن گفت خداوند بود، و سخن گوی موسی حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) بود، و حضرت علی (عليه السلام) است، و متکلم با موسی، مهدی اول (یمانی) بود.

وقد سماه أمير المؤمنين (عليه السلام) مكلّم موسى، وبيّن علامات ظهوره: (إذا صاح الناقوس، وكبس الكابوس، وتكلم الجاموس (الجاموس هو الجامد، والمراد هنا: الصامت الساكت 11 فعند ذلك عجائب وأي عجائب إذا أنارت النار ببصرى، وظهرت الراية العثمانية بوادي سوداء، واضطربت البصرة وغلب بعضهم بعضا، وصبا كل قوم إلى قوم، وتحركت عساكر خراسان، ونبع شعيب بن صالح التميمي من بطن الطالقان، وبويع لسعيد السوسي بخوزستان، وعقدت الراية لعمالق كردان، وتغلبت العرب على بلاد الأرمن والسقلاّب، وأذعن هرقل بقسطنطينة لبطارقة سينان، فتوقعوا ظهور مكلّم موسى من الشجرة على الطور (وعلى الطور أي في النجف؛ لأن الطور نقل إلى وادي السلام كما روي عنهم (عليهم السلام))، فيظهر

11 وفي هذا المعنى ما جاء عن رسول الله (ص) مع سلمان: (.. وإن هذا لكائن يا رسول الله؟ قال(ص): إي والذي نفسي بيده ، يا سلمان عندها يتكلم الروبيضة، فقال: وما الروبيضة يا رسول الله فذاك أبي وأمي؟ قال (ص): يتكلم في أمر العامة من لم يكن يتكلم، فلم يلبثوا إلا قليلا حتى تخور الأرض خورة، فلا يظن كل قوم إلا أنها خارت في ناحيتهم فيمكتون ما شاء الله ثم يكتون في مكثهم فتلقي لهم الأرض أفلاذ كبدها - قال : ذهب وفضة - ثم أوماً بيده إلى الأساطين فقال: مثل هذا، فيومئذ لا ينفع ذهب ولا فضة، فهذا معنى قوله: فقد جاء أشراطها(ها) بحار الأنوار : ج 6 ص 309.

هذا ظاهر مكشوف، ومعاین موصوف . . . ثم بكی صلوات الله عليه وقال: واها
للأمم ...)12.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را متکلم با موسی نام برده و نشانه‌های ظهورش را برشمرده است: «هنگامی که ناقوس به صدا درآید و سایه‌ی شوم کابوس بر همه‌جا سنگینی کند و جاموس سخن بگوید (جاموس، جامد و بی‌جان است و در این‌جا منظور، ساکت و بی‌صدا می‌باشد[11]) در چنین زمانی، شگفتی‌ها پدید خواهد آمد و چه شگفتی‌هایی! وقتی که آتش شهر بصره را روشن کند و پرچم‌های عثمانی در وادی سودا ظاهر گردد، بصره آشوب شود و بعضی بر بعضی دیگر پیروز گردند و هر قومی بر قوم دیگر بتازد و لشکریان خراسان به جنبش درآیند و شعیب بن صالح تمیمی از مرکز طالقان قیام کند و در خوزستان با سعید سوسی بیعت شود و پرچمی برای استقلال کردها برافراشته گردد و عرب‌ها بر بلاد ارمنی‌ها و سیکلوب‌ها غالب شوند و هرقل در قسطنطنیه در برابر فرماندهی سفیان تسلیم گردد، آن‌گاه منتظر ظهور کسی باشید که در طور سینا از درخت با موسی سخن گفت (و بر طور یعنی نجف؛ زیرا همان‌گونه که از معصومین (علیهم السلام) روایت شده، طور به وادی السلام منتقل شده است) او به گونه‌ای نمایان و آشکار ظاهر می‌گردد که بیننده او را توصیف کند.... سپس امیرالمؤمنین که سلام و صلوات خداوند بر او باد گریست و فرمود: افسوس بر امت‌ها....»13.

وهذا موجود في القرآن، فالله يتوفى الأنفس، وأيضاً عزرائيل، وأيضاً جند
عزرائيل.

چنین معنایی در قرآن آمده است که خداوند، و همچنین عزرائیل، و نیز لشکر
عزرائیل جان‌ها را می‌ستانند:

12 معجم أحاديث الإمام المهدي (عليه السلام) : ج 3 ص 27.

13 معجم احاديث امام مهدی (عليه السلام): ج 3 ص 27.

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا) 14.

(خدا جان ها را به هنگام مردنشان می گیرد).

(وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ) 15.

(خدا شما را بیافرید، سپس می میراند).

(قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ) 16.

(بگو: فرشته‌ی مرگ که موکل بر شما است، شما را می میراند سپس به سوی پروردگارتان بازگردانیده می شود).

(وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَنْدَبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ) 17.

(و اگر بینی آن زمان را که فرشتگان جان کافران را می ستانند، و بر صورت و پشتشان می زنند و می گویند: عذاب سوزان را بچشید).

وفي كل الأحوال إذا توفى الأنفس الملائكة، أو ملك الموت، فالمتوفي الحقيقي هو الله، وكذلك الحال هنا فإذا كان مكرم موسى هو علي (عليه السلام)، أو المهدي الأول، فالمكرم الحقيقي لموسى هو الله سبحانه.

در همه‌ی این احوال اگر فرشتگان یا ملک الموت جان‌ها را بستانند، ستاننده‌ی حقیقی همان خداوند است. در این جا نیز وضعیت به همین گونه است؛ اگرچه

14 الزمر : 42.

15 النحل : 70.

16 السجدة : 11.

17 الأنفال : 50.

سخنگوی موسی حضرت علی (علیه السلام) یا مهدی اول است ولی سخنگوی حقیقی،
خدای سبحان می باشد.

